



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

مطالعه تطبیقی اصل همکاری مؤثر طرفین در دادرسی تجاری

سعید جوهر^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

چکیده:

در حقوق دادرسی، بر پایه نگرش ماهیت قراردادی دادرسی، نظریه همکاری مؤثر طرفین دعوا و دادرسی مطرح شده است؛ به این معنی که دادرسی در عین این که فرایندی متعلق به قاضی محسوب می شود، متعلق به طرفین نیز هست. این اشتراک موضوع، وجود نوعی همکاری همیشگی در تعیین موضوع دعوا و همچنین در جریان رسیدگی را ایجاب می کند. اگر چه این همکاری در آیین دادرسی مدنی دیده می شود، اما ضرورت آن در دادرسی تجاری دو چندان است؛ زیرا موجب سرعت در دادرسی و حل و فصل سریع اختلاف می شود. این همکاری می تواند جنبه های مختلفی داشته باشد که در این نوشته، با نگاهی تطبیقی و مطالعه کتابخانه ای به بررسی آنها می پردازیم.

واژگان کلیدی: تعاون اصحاب دعوا، مدیریت پرونده، آزادی ادله، سرعت در دادرسی

^۱ دکتری حقوق خصوصی، قاضی دادگستری

مقدمه

درآمد: بنا به نظریه همکاری مؤثر طرفین در دادرسی تجاری، طرفین دعوا و دادرس برای یافتن جهات حکمی و موضوعی دعوا با هم تلاش می کنند؛ چرا که هدف دادرسی تجاری، حل و فصل اختلافات طرفین به نحو است که ماده نزع از بین برود و طرفین اختلاف بتوانند بر اساس اصل حسن نیت در دادرسی، روابط تجاری خود را ادامه دهند. به بیان دیگر، در این نظریه، طرفین اختلاف از روی حسن نیت و صداقت با قاضی همکاری و همراهی می کنند تا اختلاف به سرعت در مدت متعارف فیصله یابد. (محسنی، ۱۳۹۱: ۴۷) مصادیق این همکاری متنوع است و شامل همکاری طرفین در سازش، تعیین دادگاه صالح، حل و فصل دوستانه اختلافات، یافتن جهات حکمی و موضوعی دعوا، ابلاغ اوراق قضایی، مواعد، همکاری شخص ثالث با دادگاه و ادله را شامل می شود. نمود این همکاری را می توان در آیین دادرسی تجاری بریتانیا مشاهده کرد که به تمام ملزومات اصل همکاری مؤثر طرفین در دادرسی تجاری تا حد زیادی متعهد بوده و آن ها را در راهنمای دادگاه تجاری منعکس کرده است. (جوهر، ۱۴۰۰: ۷۶) در ادامه مصادیق همکاری مؤثر طرفین و دادرس در دادرسی تجاری را بررسی می کنیم.

۱- همکاری طرفین در سازش

سازش ارزان ترین، سریع ترین و کارآمدترین روش برای حل و فصل اختلاف است؛ از همین رو قوانین دادرسی به نحوی تدوین شده اند که در هر مرحله طرفین بتوانند از طریق صلح و سازش دعوی خود را فیصله دهند. این امر تا جایی اهمیت دارد که در نظام دادرسی انگلستان دادگاه موظف به فراهم آوردن زمینه سازش است و سازش از اصول اداره کننده آیین دادرسی مدنی به شمار می آید. (پیشین، ۱۶۱) این حقیقت حتی در مقررات و آیینی نیز که معمولاً برای دادگاه های تجاری تدوین می شود، مغفول نمانده است.

۱.۱ حقوق انگلیس

در مقدمه قواعد آیین دادرسی و راهنمای دادگاه تجاری با ابتدا مفهوم «مدیریت پرونده» روبه رو می شویم. به این معنی که دادگاه در ابتدا دعوا را کنترل می کند و این کنترل را تا برگزاری جلسه دادرسی ادامه می دهد. بدون تردید

آیین مربوط به مدیریت پرونده که در طی آن اسناد در جلسه دادرسی حاضر و جلسه استماع اظهارات برگزار می‌شود، هزینه‌های دعوا را بالا می‌برد. (Anderson, 2010: 420) با این حال نویسندگان این مقررات گمان می‌کردند که صرف این هزینه به منظور کنترل بیشتر دادگاه بر پرونده به صرفه است؛ زیرا از آن جهت که احتمال صلح و سازش دعوا را در همین مراحل افزایش می‌دهد، امری است که می‌تواند منجر به صرفه‌جویی در هزینه‌ها شود. مجموعه مقررات راهنمای دادگاه تجاری در خصوص مدیریت پرونده دارای مقررات ویژه‌ای در خصوص دادرسی تجاری است که در آیین دادرسی عادی یافت نمی‌شود. پاراگراف D1.4 راهنمای دادگاه تجاری چنین می‌گوید که مدیریت پرونده ده رکن دارد:

طرح دعوا باید ظرف مدت مشخصی به اطلاع طرف دعوا برسد.

گزارش دعوا که حاوی چالش‌های پیش‌روی دعواست در ابتدا تهیه شود.

گزارش پرونده که حاوی چالش‌هاست باید در طول مراحل دادرسی مورد بازنگری و اصلاح قرار بگیرد.

جلسه اجباری مدیریت دعوا که با حضور طرفین برگزار می‌شود و در آن نظرهای خود را در مورد پرونده می‌نویسند.

در این جلسه، دادگاه با وکلای طرفین درباره مندرجات پرونده بحث می‌کند و زمان برگزاری جلسه مقدماتی دادرسی را تعیین می‌کند و ملاحظات مربوط به چالش‌های احتمالی و همین‌طور طرق دستیابی به صلح و سازش از طریق ای. دی. آر درج می‌شود.

قبل از تعیین وقت نظارتی برای پیشرفت دعوا، طرفین موافقت خود را با زمان جلسه مقدماتی اعلام می‌کنند.

در وقت نظارتی پیشرفت یا اندکی پس از آن، قاضی با توجه به پیشرفت دعوا، وقت جلسه را تعیین می‌کند.

اگر در وقت نظارتی پیشرفت کلیه طرفین دعوا اعلام کنند که برای برگزاری دعوا حاضرند، کلیه طرفین چکلیست قبل از رسیدگی^۳ را کامل می کنند.

در اکثر پرونده‌ها یک بازنگری قبل از رسیدگی وجود دارد که در آن طرفین دعوا (برای ملاحظه دادگاه) برنامه زمانی رسیدگی را تهیه می کنند.

۱۰. در طول دادرسی همیشه مدت زمان رسیدگی به طور مرتب تخمین زده و اعلام می شود.

این مقررات برای افزایش احتمال صلح و سازش بین طرفین است. علاوه بر این به طور کلی در حقوق انگلیس با مفهوم اداره فعال دعوا روبه روییم که یکی از اهداف آن تشویق طرفین به استفاده از روش‌های جایگزین حق اختلاف است.^۴

۲،۱ حقوق فرانسه

در ماده ۲-۸۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه می خوانیم: «اگر صلح بین طرفین محتمل باشد، قاضی با رضایت طرفین می تواند یک آشتی دهنده^۵ را به این منظور نصب کند. روند صلح به وسیله مقررات عمومی در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی تنظیم می شود.» طرفین دعوا هم می توانند خودشان صلح کنند و هم از قاضی بخواهند که به صلح آنها نظارت کند. علاوه بر این قاضی می تواند آنها را به یک آشتی دهنده ارجاع دهد تا در خصوص نحوه سازش، آنها را مطلع سازد.^۷ تصمیم ارجاع به سازش، در واقع تصمیمی اداری و غیر قابل اعتراض است. (Houtcierff, 2016 : 201) قاضی در تصمیمش، مدت زمان رسیدن به صلح را مشخص می کند. مدت اولیه از دو ماه تجاوز نمی کند و البته قابل تمدید است. مأمور سازش می تواند با موافقت طرفین، از افراد مطلع تحقیق

)} Pre-trial check-list

)} Civil procedure rules 1.4(2) F

)} Consiliateur de justice

⁶) Si une conciliation entre les parties apparait envisageable, la formation de jugement peut, avec l'accord des parties, désigner un conciliateur de justice à cette fin, cette désignation peut revêtir la forme d'une simple mention au dossier.

)} Art. 129

کند. همچنین او می‌تواند قاضی را از پیشرفت کار خود مطلع کند و در آخر اگر سازش حتی به صورت جزئی حاصل شد، سازش به صورت حضوری نزد قاضی به امضا می‌رسد. (Cadiet et al., 2009 : 125)

۳،۱ لایحه پیشنهادی آئین دادرسی تجاری ایران

نویسندگان لایحه در ماده ۴۳ بیان داشته‌اند: «هر گاه با توجه به کیفیت دعوی و اختلاف، امکان سازش بین اصحاب دعوی وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند بنا به توافق طرفین برای یک بار و حداکثر به مدت یک ماه پرونده را جهت سازش به شوراها یا شوراهای حل اختلاف، واحدهای صنفی مربوط یا دیگر نهادها، مراجع و یا اشخاصی که طرفین توافق نموده‌اند، ارجاع کند.» بدون شک این موضع قانونگذار با انتقاداتی همراه است. احتمال ارجاع امر به داوری وقتی محتمل است که طرفین بتوانند ماهیت اختلافات خود را به طور دقیق بشناسند و ادعاهای یکدیگر را به بحث بگذارند. قانونگذار با غیر الزامی دانستن تشکیل جلسه، از این مهم به دور افتاده است. به عبارت دیگر، فرصت و امکانی فراهم نیاورده است که طرفین با استماع ادعاهای یکدیگر به صلح و سازش در مورد اختلاف خود تمایل پیدا کنند. همان‌گونه که در حقوق انگلیس دیدیم ترتیبات مربوط به اداره دعوا الزامی بودند و طرفین می‌بایست در آن‌ها حضور پیدا کنند و دادگاه پس از اطمینان از این‌که طرفین با آگاهی دقیق از ادعاها و دلایل یکدیگر و عدم امکان حصول سازش بین آن‌ها، به شروع دادرسی اقدام می‌کرد. اما در حقوق ایران اختیار قاضی به امکان صدور رأی پس از تبادل لوایح، احتمال حصول صلح و سازش را بین طرفین به حداقل ممکن می‌رساند.

۲- همکاری در تعیین دادگاه صالح

اصل بر این است که دادگاه محل اقامت خواننده، صالح به رسیدگی باشد. با وجود این بند ۱ اصل ۲ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، معیار اصلی در صلاحیت دادگاه را تراضی طرفین قرار داده و قاعده محل اقامت خواننده را نپذیرفته است. قاعده اصلی در تعیین صلاحیت، تراضی طرفین است. ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «در یک اختلاف، طرفین همواره می‌توانند توافق کنند که تنازع آنان در یک مرجع قضایی مورد رسیدگی قرار گیرد؛ هر چند که این مرجع از جهات نصاب خواسته صلاحیت نداشته باشند.» احترام به توافق طرفین در تعیین دادگاه صالح به خودی خود هم هزینه کمتری به طرفین تحمیل می‌کند و هم می‌تواند به طور

غیر مستقیم در سرعت دادرسی تأثیر بگذارد. (جوهر و دیگران، ۱۳۹: ۱۳۲) نویسندگان لایحه آیین دادرسی تجاری نیز به این مهم بی‌اعتنا نبوده‌اند و در ماده ۲۸ آورده‌اند: «در تمام دعاوی که در صلاحیت دادگاه تجاری است، طرفین دعوی می‌توانند با توافق به دادگاه هم‌عرض دادگاه صلاحیتدار همان حوزه یا حوزه قضایی دیگر رجوع کنند. تراضی طرفین باید به موجب سند رسمی یا اظهار آنان نزد دادگاهی که دعوی خود را در آن اقامه کرده‌اند، به عمل آید...».

۳- همکاری در حل و فصل دوستانه اختلاف

هدف نهایی از همکاری طرفین، حل و فصل اختلاف است. اصول آیین دادرسی مدنی فراملی در بند ۲ اصل ۱ پیش‌بینی کرده است: «طرفین با دادگاه در انجام وظیفه حل و فصل منصفانه، مؤثر و با سرعت معقول و متعارف مشارکت می‌کنند.» حل و فصل سریع، مؤثر و منصفانه، نه تنها تکلیف دادرسی است، بلکه طرفین نیز به آن ملزم‌اند و نمی‌توانند با تمسک به شیوه‌های غافلگیر کننده، از مقررات آیین دادرسی مدنی سوء استفاده کنند. (رستمی چلکاسری و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳۳) در باب نمود این اصل در دادرسی تجاری، به جاست به مقررات حقوق انگلیس در باب پرونده مدیریت دعوا اشاره کنیم که در مسیر آن، طرفین همکاری دوستانه‌ای در جهت حل اختلاف خود توسط دادگاه دارند. از میان این مراحل کلیدی، برگزاری جلسه مدیریت دعوا^۱ اهمیت ویژه‌ای دارد که آن را بررسی می‌کنیم.

۳،۱ جلسه مدیریت دعوا در حقوق انگلیس

وقتی که اسناد مربوط به دعوا بین طرفین رد و بدل شد، دادگاه در اولین قدم برای مدیریت پرونده اقدام به برگزاری جلسه مدیریت دعوا می‌کند. برگزاری این جلسه در کلیه دعاوی ضروری است. در مورد زمان آن، راهنما مقرر می‌دارد: جلسه اجباری مدیریت دعوا در اولین فرصت پس از شش هفته از زمانی که همه خواندگان آمادگی خود را برای دفاع اعلام کرده‌اند، تشکیل می‌شود. این مدت اجازه می‌دهد که تمام مدارک برای دفاع حاضر شود. پس از برگزاری جلسه مدیریت دعوا، طرفین باید نظرهای خود را در مورد گزارش پرونده و همین‌طور فهرست

) Case management conference

چالش‌های پیش رو بیان کنند. این اسناد مخصوص دادرسی تجاری است که در قواعد آیین دادرسی مدنی دیده نمی‌شود. (Colman et al., 2008: 320)

۳,۲ پرونده مدیریت دعوا^۹

وقتی که گزارش پرونده و فهرست اختلافات مورد تأیید طرفین قرار گرفت و برگه اطلاعات مدیریت پرونده بین طرفین رد و بدل شد، پرونده مدیریت دعوا توسط وکلای خواهان آماده می‌شود. این پرونده باید حداقل هفت روز قبل از جلسه اداره دعوا به ثبت دادگاه تجاری برسد. مطابق بخش D6.2 راهنمای دادگاه تجاری، پرونده اداره دعوا باید حاوی مدارک ذیل باشد:

فرم دادخواست،

گزارش دعوا،

فهرست اختلافات،

زمان‌بندی قبل از رسیدگی، وقتی که هنوز زمان‌بندی نشده است.

برگه اطلاعات اداره دعوا

اظهارات خواهان که متعاقب فرم دادخواست بیان شده است،

دستورات اصلی که در پرونده داده شده،

هرگونه توافقی بین طرفین ناظر بر افشای اسناد.

آماده‌سازی این پرونده جزء وظایف خواهان است و همین‌طور باید اطمینان حاصل کند که این پرونده همیشه به‌روزرسانی می‌شود.

۳،۳ جلسه اداره دعوا

راهنمای دادگاه تجاری تأکید کرده است که جلسه اداره دعوا بسیار مهم و حیاتی است و طرفین باید آن را جدی بگیرند. در این جلسه قاضی سه کار انجام می‌دهد:

به بحث گذاشتن اختلافات دعوا و ملزومات آن با وکلا،

(اگر عملی باشد) تاریخی را به عنوان زمان دادرسی تعیین می‌کند،

(اگر مناسب باشد) به ای. دی. آر ارجاع می‌دهد.

در مدیریت دعوا، طرفین نقش بسیار فعالی در پیشبرد دادرسی دارند. آن‌ها باید با همکاری یکدیگر فهرستی از اختلافات خود و پیشرفت دعوا در هر مرحله تهیه کنند و همین اسناد برای قاضی ملاک عمل قرار می‌گیرد. مسئولیتی که طرفین در جریان پیدا کردن دادرسی و هدایت مسیر آن دارند، تفاوتی روشن با جریان دادرسی معمولی دارد. در حقیقت با این مقررات، طرفین دعوی تجاری نه به عنوان دو عضو منفعل که اوامر قاضی را برای به نتیجه رسیدن دعوا دنبال می‌کنند، بلکه به صورت اعضای فعال همیشه تصویری روشن از اختلاف خود به قاضی ارائه می‌دهند که همین مسئله به خودی خود احتمال ارجاع دعوا به داوری یا سایر روش‌های حل اختلاف را افزایش می‌دهد.

۴- همکاری طرفین در یافتن جهات موضوعی و حکمی دعوا

همکاری طرفین در یافتن جهات موضوعی و حکمی دعوا چهره‌ای از اصل حاکمیت اصحاب دعواست که در قالب نظریه قرارداد دادرسی می‌توان به نحو روشنی آن را توجیه کرد. یکی از نتایج این اصل، قاعده اختصاص امور موضوعی به اصحاب دعوی مدنی و اختصاص امور حکمی به قاضی است. اما هم‌اکنون نظام‌های قضایی از این نظریه سنتی فاصله گرفته‌اند. به این صورت که ضمن حفظ اندیشه سابق مبنی بر حق اظهار امور موضوعی و ابراز دلایل مربوط به آن توسط اصحاب دعوا، این امکان نیز برای دادگاه فراهم شده است که به موازات حق مذکور، خود نیز متوسل به اقدامات و تحقیقات لازم برای احراز امور موضوعی شود. این تحول را باید تغییر مفهوم اصل بی‌اثری و انفعال دادرسی، به اصل تعاون دادرسی با اصحاب دعوا تعبیر کرد.

این اصل در خصوص امور حکمی جاری است و اقتضا دارد اصحاب دعوا در امور حکمی نیز به یاری دادرس بشتابند. بنابراین اگرچه به طور سنتی امور حکمی قلمرو انحصاری دادگاه بود، اما در حال حاضر عاملی جدید به آن افزوده شده و آن همکاری اصحاب دعوا در استناد به امور حکمی است. به این معنی که اصحاب دعوا می‌توانند با همکاری هم مواد قانونی مناسب را به دادرس ارائه کنند.

در دادرسی تجاری این همکاری را باز هم می‌توان در مجموعه مقررات آیین دادرسی انگلیس مشاهده کرد و علی‌الخصوص در بحث گزارش پرونده که طرفین آن را در هر مرحله آماده می‌کنند، به روشنی دید.

بخش D4 در راهنمای دادگاه تجاری مواردی را که طرفین دعوا باید در گزارش پرونده ذکر کنند، مشخص کرده است. مشاوران و وکلای طرفین باید مدام در روند تهیه گزارش پرونده شرکت کنند. گزارش پرونده باید حاوی دو نکته باشد: ۱. توصیف کوتاه و بی‌مناقشه‌ای از این‌که اختلاف در مورد چه چیزی است، ۲. توصیف کوتاه و بی‌مناقشه‌ای از آغاز دادرسی تا کنون. هدف از گزارش پرونده این است که قاضی پرونده بتواند در هر مرحله دادرسی آن را به صورت فوری ارزیابی کند. از همین رو، این گزارش باید همیشه به‌روزرسانی شود. وکلای طرفین موظفند به‌طور مداوم موارد الزامی مندرج در گزارش پرونده را درباره توصیف دعوا و مراحل انجام شده، بررسی و از درستی آن اطمینان حاصل کنند. در عمل، تنها بخش مربوط به خلاصه دادرسی است که باید بعد از هر مرحله رسیدگی به‌روزرسانی شود. ولی تغییر در ماهیت دعوا در طول دادرسی به ندرت اتفاق می‌افتد.

لیست چالش‌ها و اختلافات هم همراه با گزارش پرونده تهیه می‌شود. در عمل وکلای خواهان هر دو سند را برای وکلای خوانده می‌فرستند. هیچ سودی در این نیست که فهرست اختلافات مناقشه‌آمیز باشد؛ زیرا تنها موجب اتلاف وقت و هزینه می‌شود. فهرست اختلافات باید دربردارنده تمام چالش‌ها و اختلافات طرفین در رابطه با امور حکمی و موضوعی باشد و در مواردی این لیست به دو بخش اختلافات حکمی و اختلافات موضوعی تقسیم می‌شود. فهرست اختلافات، مانند گزارش پرونده، ابتدا در حوزه وظیفه وکلا و مشاوران خواهان است. راهنمای دادگاه تجاری متذکر شده است که وکلا و مشاوران طرفین به‌منظور بازنگری و اصلاح لیست اختلافات مداوم با هم در تماس باشند. (Gee, 2016: 85)

۵- همکاری در ابلاغ

یکی از مواردی که باعث سرعت در دادرسی می‌شود، موضوع ابلاغ و آگاهی طرف مقابل است. هر چه فرایند ابلاغ کوتاه‌تر شود، اطاله دادرسی کمتر خواهد شد. همکاری در ابلاغ یکی از انواع همکاری در دادرسی است که در آیین دادرسی فراملی پیش‌بینی شده است. همکاری طرفین می‌تواند در سرعت بخشیدن یا انتخاب انواع وسایل ابلاغ باشد. بند ۷ اصل ۵ مقرر می‌دارد: «طرفین می‌توانند به موجب قرارداد مشترک یا با اجازه دادگاه از شیوه‌های ارتباطی سریع، نظیر وسایل ارتباط از راه دور استفاده نمایند.» در لایحه پیشنهادی آیین دادرسی تجاری به منظور تسریع در امر ابلاغ مقرراتی در مورد ضرورت همکاری و توافق طرفین در این خصوص دیده نمی‌شود. تنها در خصوص وضعیتی که در آن خواهان نتواند نشانی خوانده را معین نماید، از مقررات آیین دادرسی مدنی در باب خوانده مجهول‌ال‌مکان عدول کرده و مقرر داشته که به «...درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست در پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی قوه قضاییه آگهی می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از ده روز باشد.» در واقع با این روش نویسندگان لایحه از تأخیری که ضرورت انتشار دادخواست در روزنامه کثیرالانتشار پدید می‌آورد، دوری کرده‌اند و به نحوی بر سرعت دادرسی افزوده‌اند. و همین‌طور در ماده ۵۹ می‌خوانیم: «استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی از قبیل پست الکترونیکی، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن حسب مورد برای ابلاغ اوراق قضایی و اوراق اجراییه و... بلامانع است.» البته در این مورد به‌جا بود نویسندگان لایحه به‌مانند قانون آیین دادرسی مدنی بر اعتبار توافق طرفین بر انتخاب محلی در مقر دادگاه برای ابلاغ اوراق صحه بگذارند.

۶- همکاری در تعیین مواعد

طرفین دعوا و دادگاه در نحوه اداره و تعیین اوقات دادرسی مشارکت می‌کنند تا دعوا با سرعت و همراه با شفافیت حل و فصل شود. یکی از اهداف مهم دادرسی سرعت بخشیدن به جریان دادرسی و جلوگیری از اطاله دادرسی است. همکاری طرفین دعوا در تعیین اوقات، به تحقق این مهم کمک شایانی می‌کند. (Solus et al., 1991 : 32) در مقررات راهنمای دادگاه تجاری انگلیس در این خصوص آمده است که علاوه بر اسنادی که در بالا شرح داده شد، هر یک از طرفین دعوا برای جلسه مدیریت دعوا باید برگه اطلاعات پر کنند. این برگه نه تنها برای دادگاه

است بلکه یک نسخه از آن به همه طرفین تا حداقل هفت روز پیش از برگزاری این جلسه فرستاده می‌شود. در این برهه از طرفین خواسته می‌شود که زمان مورد نظر خود را برای دادرسی تعیین کنند.

۷- همکاری شخص ثالث با دادگاه

در نظریه همکاری در فرایند دادرسی، تنها دادگاه یا طرفین نیستند که موظف به همکاری‌اند، بلکه اشخاص ثالث، یعنی کسانی که هیچ نفعی در جریان دادرسی ندارند، چه اشخاص حقیقی چه حقوقی، همانند طرفین ذی‌نفع موظف به رعایت آن هستند و در صورت رعایت نکردن، همچون طرفین دعوا با ضمانت اجرای آن روبه‌رو خواهند شد. در این خصوص بند ۴ اصل ۱۲ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی مقرر می‌دارد: «اصولاً حقوق و تکالیف اشخاصی که به دادرسی ملحق می‌شوند، مشمول همان تکالیفی است که اشخاص اصلی دعوا به عهده دارند.» این رویه در ماده ۲۰۷ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه پذیرفته شده و به دادگاه اجازه داده است تا در صورت همکاری نکردن بدون عذر موجه، متخلفان را تا ۳۰۰۰ یورو جریمه نقدی کند. قاضی تجاری دارای تمامی اختیارات قضات عادی است. او می‌تواند طرفین را احضار کند و با رعایت اصل تناظر ادعاهای آنها بشوند و در این روند دارای تمام اختیارات قاضی در یک دادرسی شفاهی است. او می‌تواند طرفین را برای ادای توضیحات احضار کند. اما هیچ توانی در برابر اشخاص ثالث ندارد. در خصوص ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد و مدارک ماده ۳-۴۴۶ قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد که قاضی می‌تواند از آن گذر کند یا این که تمام آثار این امتناع را اعمال کند. البته قاضی تجاری می‌تواند به کلیه دعاوی مربوط به ارائه و عودت اسناد بین طرفین مطابق ماده ۸۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی رسیدگی کند. هرچند قاضی تجاری این اختیار را ندارد که دستور توقف فعالیت را صادر کند. این مسئله مختص قاضی و دادگاه عمومی است.

¹) Le juge peut inviter, à tout moment, les parties à fournir les explications de fait et de droit qu'il estime nécessaires à la solution du litige et les mettre en demeure de produire dans le délai qu'il détermine tous les documents ou justifications propres à l'éclairer, faute de quoi il peut passer outre et statuer en tirant toute conséquence de l'abstention de la partie ou de son refus.

در حقوق انگلیس رئیس دادگاه تجاری می‌تواند رؤسای شرکت‌ها یا نمایندگان حقوقی آن‌ها را برای توضیحات فرا بخواند. همچنین دادگاه می‌تواند از مؤسسات بانکی و مالی تقاضا کند که تمام اطلاعات مفید در خصوص شرایط مالی و بانکی شرکت را در اختیار وی قرار دهد.

در لایحه پیشنهادی آیین دادرسی تجاری بر لزوم همکاری اشخاص ثالث در ارائه اسناد به دادگاه تأکید شده است. در ماده ۶۳ چنین آمده است: «چنانچه سند مورد ادعا نزد شخص ثالث باشد، دادگاه مطابق مفاد ماده قبل، قرار ابراز سند علیه شخص ثالث صادر می‌نماید. چنانچه ثالث از ابراز سند امتناع کند، مسئول جبران خسارت متقاضی ابراز سند می‌باشد، مگر این‌که سند به علتی خارج از اراده او تلف شده باشد یا ابراز آن ممکن نباشد.»

۸- همکاری در ادله

در این مبحث طرفین در نحوه کشف دلیل، ارائه دلیل، درخواست دلیل و حتی تراضی بر دلیل خاص با یکدیگر همکاری می‌کنند. در بند ۱ اصل ۲۱ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز این رویه پذیرفته شده است و هر یک از طرفین باید وقایع و عناصر موضوعی مورد ادعا خود را اثبات کند. (Sibony, 2008 : 140) به طور کلی نظام ادله در دادرسی تجاری بسته به پیچیدگی یا سادگی دعوا متفاوت است. برخی از دعاوی دادگاه تجاری، برای مثال مطالبه وجه موضوع قرارداد، به راحتی اثبات می‌شوند. اما در دعاوی پیچیده تجاری که مستلزم ابراز اسناد و ادله متعددی است، به مقررات ویژه‌ای در این خصوص نیاز می‌شود.

در نظام دادرسی تجاری بریتانیا این تفکیک لحاظ شده است. برای مثال در دعاوی ای که بسیار ساده‌اند، طرفین باید برگه‌ای را ارائه دهند که به آن استخوان‌بندی استدلال گفته می‌شود. این برگه خلاصه و خطوط اصلی ادعای آن‌ها را مشخص می‌کند. خواهان در این برگه باید به‌طور موجز تمام چالش‌های خود را به‌صورت بی‌طرف درج کند. در راهنمای دادگاه تجاری ورقه استخوان‌بندی (اسکلت) استدلال این‌گونه شرح داده شده است که مشخص‌کننده رئوس ادعاهای طرفین است. به‌طوری‌که برای طرف دعوا و دادگاه روشن سازد که روی چه نکاتی اختلاف

) Skeleton argument

است و به طور خاص استدلال او در مورد این نکات چیست. این برگه جایگزین استدلال شفاهی نیست^{۱۲} و ارائه آن از جانب هر دو الزامی است. علی‌الاصول این ورقه قبل از شروع دادرسی باید بین طرفین رد و بدل شود، مگر این که دادگاه دستور دیگری داده باشد.

اما در دعاوی پیچیده از خواهان انتظار می‌رود در کنار برگه استخوان‌بندی استدلال، تاریخ‌شماری (کرونولوژی) وقایع دعوا هم ضمیمه کند. برگه تاریخ‌شماری نباید اختلاف‌آمیز باشد و اگر در مورد واقعتی اختلاف وجود داشته باشد باید تمام تعبیر و تفاسیر نوشته شود. بدین صورت که برای مثال خواهان مدعی این است که ملاقاتی در تاریخی خاص رخ داده است، ولی خوانده ادعای دیگری دارد. بهتر است که قبل از دادگاه طرفین بر روی این برگه توافق داشته باشند^{۱۳} زیرا دادگاه روی این سند بسیار حساس است و هیچ‌گاه سندی که خواهان بدون توجه به دستورالعمل به صورت اختلاف‌آمیز آن را تدوین کرده است، تسلیم نمی‌شود. همین‌طور فرم اطلاعات اشخاص^{۱۴} که خواهان باید نام و نقش کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دخیل در دعوا را در آن ذکر کند. این سند هم به مانند تاریخ‌شمار دعوا باید بی طرفانه و بدون اختلاف نوشته شود. برای توضیح بیشتر اصل همکاری مؤثر طرفین در ادله به بحث سند و افشای آن و سپس کارشناسی در حقوق بریتانیا و ایران می‌پردازیم.

۸.۱ همکاری در آماده‌سازی اسناد

مدیریت درست و صحیح اسناد یکی از جوانب بسیار مهم در دادرسی سریع و کارآمد است. اگر این مدیریت به‌طور صحیح انجام نگیرد، زمان و هزینه زیادی تلف می‌شود. از سوی دیگر آماده‌سازی دقیق این اسناد برای دادرسی به خودی خود سخت، پرهزینه و زمان‌بر است. با این حال راهنمای دادگاه تجاری حاوی مقرراتی بسیار دقیق و جزئی در مورد نحوه آماده‌سازی اسناد در دادرسی تجاری است؛ با این هدف که این اسناد به نحو مناسبی پیش از برگزاری دادگاه حاضر شوند. (Surya, 2008: 184)

)Each party should prepare commercial court guide J6.1 Skeleton arguments, referred to as outline opening submissions.

)Commercial court guide J6.4

)Dramatis personae

وظیفه آماده‌سازی اسناد و اوراق پرونده با خواهان است؛ این کار محتاج به همکاری نزدیک کلیه طرفین دعواست. آن‌ها باید در این روند آماده‌سازی توافق کنند که چه اسنادی باید در دادرسی ابراز شود و تنها اسنادی را آماده کنند که در دادرسی لازم و مورد نیاز است. البته در حقوق انگلیس دادخواست اگر با اظهارنامه صداقت همراه باشد می‌تواند به عنوان دلیل محسوب شود.^{۱۵} وقتی که دادخواست بیشتر مبتنی بر استدلال است تا امور موضوعی مورد اختلاف، بهتر است که طرف دعوا برای دوری از هزینه اضافی به دادخواست و اظهار نامه صداقت اکتفا کند.

در لایحه پیشنهادی آیین دادرسی تجاری به ضرورت همکاری طرفین در امر ارائه ادله به‌طور صریح اشاره نشده است. اما شاهد مقرراتی هستیم که می‌تواند دلالت بر همین اصل داشته باشد. در ماده ۶۱ چنین آمده است: «هرگاه نسبت به سندی ادعای جعل شود یا شخصی انتساب سندی را به خود انکار نماید و صحت سند احراز شود، دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوی، انکار کننده یا مدعی جعل را به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌کند.» در این ماده نویسندگان به‌طور ضمنی به دنبال آن بوده‌اند که طرفین را از انکار یا ادعای جعل موهوم بر حذر دارند. این امور هنگامی که اسناد مسلم‌الصدر هستند تنها به جهت به تأخیر انداختن دادرسی صورت می‌گیرد.

۸,۲ افشای اسناد^{۱۶}

در راهنمای دادگاه تجاری مقررات خاصی در خصوص افشای اسناد در دادگاه‌های تجاری پیش‌بینی شده است که نسبت به مقررات عمومی از انعطاف بیشتری برخوردار است. به عنوان قاعده عمومی در پارگراف ۱,۱ مقرر شده است که افشا نباید از حد مناسب تجاوز کند.^{۱۷} دادگاه موظف است در حد استاندارد دستور افشای اسناد را صادر کند. هر گونه درخواستی فراتر از آن باید توجیه شود. در سه مورد افشای اسناد مجاز است و طرف دعوا موظف است سند را در دادگاه بیاورد.^{۱۸}

^{۱۵}CPR, part 32.6

^۱) Document discloser 6

^{۱۷}No wider than appropriate, Paragraph E1.1

^۱) Commercial court guide, ¶Para E3.1: (a) the documents on which he relies;

الف. سندی که خود به آن استناد می‌کند.

ب. سندی که: ۱. از سوی طرف مقابل، ادعای او را تحت تأثیر قرار دهد، ۲. از سوی طرف مقابل، ادعای یکی دیگر از اصحاب دعوا را تحت تأثیر قرار دهد. ۳. ادعای یک طرف دعوا پشتیبانی کند.

ج. سندی که به وسیله مقررات قانونی مجبور به افشای آن هستند.

البته معیار افشای معقول خود در چهارچوب معیار «جست‌وجوی معقول» دنبال می‌شود. در واقع فرد در چهارچوب بند ب و ج تنها زمانی موظف به افشای اسناد است که جست‌وجوی سند معقول باشد. معقول بودن هم در نوع خود وابسته به تعداد اسناد، ماهیت و پیچیدگی پرونده است. برای مثال، شخص نمی‌تواند به آرشیو غیر قابل دسترسی یک شرکت دست یابد وقتی که سند مورد درخواست تنها ارتباطی جزئی با پرونده دارد. البته درخواست افشای اسنادی را می‌توان داد که در کنترل فرد باشد. در این خصوص مقررات عمومی آیین دادرسی مدنی می‌گوید: «سندی تحت کنترل فرد است که به صورت فیزیکی در اختیارش باشد، یا فرد حق دستیابی به آن را داشته باشد و یا این که حق بازرسی و یا گرفتن کپی از آن را داشته یا دارا باشد.»^{۱۹}

چاپ جدید راهنمای دادگاه تجاری، حاوی مقرراتی در مورد افشای داده‌های الکترونیکی هستند. حوزه‌ای که اهمیت آن روز به روز بیشتر می‌شود. در این خصوص تعریف سند نه تنها به ایمیل بلکه به اسناد موجود در بک‌آپ سیستم یا حتی اطلاعات پاک شده گسترش یافته است که به اصطلاح به آن‌ها «متا دیتا» می‌گویند. البته مقرر شده است که طرفین قبل از جلسه اداره پرونده در این خصوص بحث کنند و در صورت اختلاف، قاضی

(b) the documents which:

- (i) adversely affect his own case;
- (ii) adversely affect another party's case; or
- (iii) support another party's case; and

(c) documents which he is required by any relevant Practice Direction to disclose

)^۹ CPR, part 31.8 documents which are or have been in the physical possession of a party, documents of which the party has or has had a right to possession, or documents which he has or has had a right to inspect or of which he has or has had a right to take copies.

دستورهای لازم را می‌دهد. هدف از این مقررات روشن است. اگر اختلافات مربوط به افشای اسناد الکترونیکی سریع حل شود، در زمان و وقت صرفه‌جویی می‌شود.

در لایحه آیین دادرسی تجاری معیاری برای افشا اسناد پیشنهاد نشده است. تنها طرف ابراز کننده می‌تواند از دادگاه بخواهد که اطلاعات سندش افشا نشود و همین‌طور در خصوص همکاری طرفین برای عدم افشای اطلاعات آن، به دادگاه اجازه داده است که از طرفین در این خصوص تعهد بگیرد (ماده ۶۴)

۸.۳ همکاری با کارشناس

مقررات آیین دادرسی مدنی انگلیس رژیم جدیدی در خصوص کارشناسی ایجاد کرده که هدف کاهش هزینه‌های کارشناسی را دنبال می‌کند. در این مقررات شاهد تیتری تحت عنوان «تعهد به محدودیت استناد به کارشناسی»^{۲۱} هستیم که براساس آن «کارشناسی تنها زمانی مورد استناد قرار گیرد که به طور معقولی به ختم دادرسی منجر شود.»

ارجاع امر به کارشناسی تنها با مجوز دادگاه امکان‌پذیر است و در فرآیند تجاری این درخواست باید در جلسه اداره دعوا ارائه شود. در دادگاه تجاری به‌ندرت اتفاق می‌افتد که کارشناس از سوی دادگاه نصب شود. البته راهنمای دادگاه تجاری در این خصوص توصیه کرده است که برای دوری از هزینه‌های غیرضروری دادگاه کارشناس را انتخاب کند. اما با توجه به حجم پرونده و پیچیدگی آن معمولاً استفاده از یک کارشناس مناسب نخواهد بود. برای همین است که در دادگاه‌های تجاری هر طرف می‌تواند کارشناس خود را انتخاب کند و دادگاه در این زمینه مداخله نمی‌کند. راهنمای دادگاه تجاری تأکید کرده است که هر طرف می‌تواند کارشناس خود را در حوزه مورد نظر انتخاب کند.^{۲۲} دادگاه تنها هنگامی رأساً اقدام به نصب کارشناس می‌کند که احتمال اندکی بدهد که نظر کارشناس توسط طرفین مورد اعتراض واقع می‌شود.

^{۲۱}) CPR, part 35.1

^{۲۲}) Duty to restrict expert evidence

^۲) Commercial court guide, para H2.2 : Each party can choose its own expert in the field

با این حال اگر یک کارشناس از طرف دادگاه منصوب شد، هر یک از طرفین می‌تواند دستورالعمل خود را برای کارشناس بفرستد و نسخه‌ای از آن را هم برای طرف مقابل ارسال کند. کارشناس موظف است چکیده‌ای از دستورالعمل‌های دریافتی از طرفین را در گزارش خود بیاورد. در راهنمای دادگاه تجاری آمده است که طرفین باید در همکاری کامل با کارشناس منصوب دادگاه باشند و برای او دقیقاً شرح دهند که چه اموری را از وی درخواست دارند و به کلیه درخواست‌های او، برای در اختیار گذاشتن اسناد و مدارک، توجه کنند.

البته در حقوق بریتانیا مقرراتی در خصوص نحوه نگارش نظر کارشناس وجود دارد؛ نظیر این که او باید به‌طور دقیق مشخص کند که چه اموری را دیده و چه اموری نتیجه مستقیم علم اوست.^{۳۳} این تفکیک در جایی مفید است که کارشناس برای احراز امور موضوعی صرف انتخاب می‌شود. در این صورت گزارش او در حقیقت مشاهدات اوست. برای مثال، یک مهندس کشتی‌سازی که برای سنجش خسارت کشتی انتخاب می‌شود. در رویه دادگاه تجاری به‌طور واضح تأکید شده است که ارزش نظر کارشناس در مورد بررسی امور موضوعی صرف باید مانند شهادت شاهد مدّ نظر دادگاه قرار گیرد.^{۳۴}

راهنمای دادگاه تجاری اشاره کرده است که بعد از صدور نظر کارشناس، این نظر اول باید به‌ترتیب به خواهان و خواننده ارجاع داده شود نه همزمان.^{۳۵} به این صورت که اول نزد خواهان فرستاده می‌شود و سپس همراه نظرهای وی به خواننده ارجاع داده می‌شود. این روند به خواننده فرصت بیشتری می‌دهد که بر روی نظر کارشناس تمرکز کند تا ببیند چگونه این نظر ادعای خواهان را پشتیبانی کرده است.^{۳۶}

²) Commercial court guide,³para H2.5: The expert must make it clear which, if any, of the facts stated are within the expert's own direct knowledge.

Commercial court guide para H2.f8: If a stated assumption is, in the opinion of the expert witness, unreasonable or unlikely she or he should state that clearly.

Commercial court guide para H2.11, Expert's reports must comply with the requirements of PD 35

²) Commercial court guide ¶para H2.f8

¶Commercial court guide para H2.11

¶Coleman, op.cit, p. 180.

در لایحه مواد قابل ملاحظه‌ای به بحث کارشناسی اختصاص یافته است. نمی‌توان مدعی بود که کارشناسی در لایحه انحراف زیادی از بحث کارشناسی در قانون آیین دادرسی مدنی پیدا کرده است. البته نویسندگان به نوآوری‌های جالب توجهی دست زده‌اند؛ برای مثال به لزوم همکاری طرفین دعوا با کارشناس اشاره کرده‌اند (ماده ۶۹) و عدم همکاری را از قرائن مثبت شمرده‌اند. اما نویسندگان چهارچوبی را در نظر نگرفته‌اند که در قالب آن طرفین به انتخاب کارشناس مشترک نزدیک شوند تا دادرسی سرعت بیشتری بگیرد. همان‌طور که اشاره شد، در حقوق بریتانیا انتخاب کارشناس از سوی دادگاه عملاً به‌ندرت اتفاق می‌افتد. نویسندگان لایحه نه فقط به این مهم بی‌اعتنا بوده‌اند، بلکه در ماده ۶۷ آورده‌اند: «دادگاه می‌تواند در صورت درخواست خواهان قبل از تشکیل جلسه اول رسیدگی، کارشناس مربوط را انتخاب نماید و از وی جهت حضور در جلسه اول و جلسات بعدی رسیدگی و اطلاع از جزئیات اختلاف و دلایل طرفین و کارشناسی دعوت کند.» در واقع هیچ زمینه‌ای فراهم نشده که دادگاه طرفین را به انتخاب کارشناس مشترک سوق دهد، بلکه برعکس، کارشناس می‌تواند قبل از شروع رسیدگی و اطلاع خوانده انتخاب شود.

از سوی دیگر کارشناسی در مسائل پیچیده تجاری اقتضائاتی دارد که لایحه به آن‌ها بی‌توجه بوده است. برای مثال امکان پرسیدن سؤال از کارشناس از سوی طرفین پیش‌بینی نشده و تنها به‌مانند مقررات دادرسی مدنی امکان اعتراض به نظر کارشناس پیش‌بینی شده است. اما این امکان در حقوق بریتانیا به طرفین داده شده که از کارشناس سؤالاتی در جهت روشن‌تر کردن گزارش خود بپرسند^{۲۷} یا این‌که در این مقررات پیش‌بینی شده است که کارشناسان قبل از اظهار نظر ملاقاتی با طرفین دعوا داشته باشند تا چالش‌های موجود را با آن‌ها به بحث بگذارند و پس از آن نظر خود را ارائه کنند.^{۲۸} این مقررات مقتضای پرونده‌های تجاری است که نمی‌توان با مقررات عمومی دادرسی آن‌ها را به نتیجه‌ای دقیق رساند. لازم است طرفین دعوا با کارشناسان ارتباطی دو جانبه داشته باشند تا رأی دقیقی صادر کنند. با وجود این ملاحظات، نویسندگان لایحه در ماده ۶۹ که بر ضرورت همکاری با کارشناس تأکید دارد، این همکاری را محدود به «ارائه مدارک و مستندات یا نظیر آن» کرده‌اند.

^{۲۷}Commercial court guide, para H2.20

^{۲۸}Commercial court guide, para H2.12

برآمد:

هدف اصلی در دادرسی تجاری این است که اختلافات بین طرفین به گونه ای حل و فصل شود تا روابط تجاری طرفین در عین حل و فصل اختلافات، تداوم داشته باشد. برای رسیدن به این هدف، طرفین دعوا باید با همکاری یکدیگر و دادرس، همکاری هایی را در زمینه های مختلف داشته باشند. در واقع، در دادرسی تجاری قلمرو امور حکمی و موضوعی دعوا از بین رفته است و طرفین دعوا و دادرس برای یافتن این جهات با یکدیگر همکاری کاملی دارند تا جایی که می توانند در مورد موارد امره قانونی از جمله صلاحیت دادگاه نیز توافق کنند. در این مقاله با مطالعه تطبیقی مصادیق این همکاری بررسی شد و موضع قانونگذار ایرانی در لایحه آئین دادرسی تجاری مورد تدقیق قرار گرفت و نکات ضعف و قوت آن بیان گردید.

فهرست منابع:

1. جوهر، سعید، بایسته های دادرسی تجاری: مطالع □ تطبیقی در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان، آمریکا و بلژیک، تهران، جاودانه، ۱۴۰۰.
2. جوهر، سعید، و نیکوند، شکر...، دادگاه های اقتصادی جایگزین محاکم تجاری با مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی فرانسه و بلژیک، مجل □ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، (۴۹) ۳، ۱۳۹۹.
3. رستمی چلکاسری، عبادالله، بازیار، متین، نظریه همکاری طرفین دعوا و دادرسی در حل و فصل اختلاف، مطالعات حقوق تطبیقی، بهار تابستان ۱۳۹۵، دوره هفتم شماره ۱.
4. محسنی، حسن، آیین دادرسی مدنی فرانسه، با دبیاچیبه دکتر عباس کریمی و مقدمه پروفیسور لوتیک کادیه، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۱.
5. Anderson, Brian and Andrew Trask, The Class Action Play book, New York, oxford university press, 2010.
6. Cadiet, Loic Emmanuel Jeuland, Droit judiciaire privé, Lexis Nexis, 2009.
7. Colman, Anthony Victor Lyon, Practice and procedure of commercial court, 6edition, Taylor & Francis, 2008.
8. Gee, Steven, Commercial injunctions, London, Sweet & Maxwell, 2016.
9. Houtcierff, Dimitri, Droit commercial, Sirey, 2016.
10. Solus, Henry et Perrot, Roger, Droit judiciaire privé, Paris, Sirey, 1991.
11. Sibony, fourniture de biens et services sur un marché déterminé, Le juge et le raisonnement économique en droit de la concurrence, Paris, L.G.D.J., 2008.
12. Surya P. Subedi, international investment law: reconciling policy and principle, London, Hart publishing, 2008.

A comparative study of the principle of effective cooperation of parties in commercial proceedings

Abstract

In legal proceedings, based on the perspective of the contractual nature of the proceedings, the theory of effective cooperation between the litigants and the judge has been proposed; this means that the proceedings, while being considered a process belonging to the judge, also belong to the parties. This sharing of the subject requires a kind of constant cooperation in determining the subject of the lawsuit as well as during the proceedings. Although this cooperation is seen in the civil procedure, but its necessity is twofold in the commercial procedure; because it causes speed in proceedings and quick resolution of disputes. This cooperation can have different aspects that we will examine in this article with a comparative view and library study.

Keywords: litigation, case management, freedom of evidence, speed of proceedings